

## نظر علامه طباطبایی درباره اخباریون؛ صدها روایت درباره عقل را کنار گذاشتند

دکترای مبانی نظری اسلام و مدرس حوزه گفت: علامه معتقد است که اخباریون عقل را در فهم دین کنار گذاشتند



دکترای مبانی نظری اسلام و مدرس حوزه گفت: علامه معتقد است که اخباریون عقل را در فهم دین کنار گذاشتند و سراغ اخبار رفتند و مستمسک آنها هم برخی روایات است؛ ایشان پاسخ داده است که اینها دو روایت آورده اند که فرموده به عقل تکیه نکنید و صدها روایت دیگر برای تکیه کردن به عقل و تایید آن را نفی می کنند.

رضا میرزایی به گزارش ایکننا، حجت الاسلام والمسلمین رضا میرزایی، استاد حوزه، امروز دوم آذرماه در نشست علمی «جایگاه عقل در تفسیر المیزان» که از سوی مجمع عالی حکمت اسلامی برگزار شد، با تجلیل از مقام علامه طباطبایی گفت: علامه طباطبایی دو خلا مهم در حوزه را شناسایی کرد و برای رفع آن قدم برداشت؛ یکی تفسیر قرآن و دیگری فلسفه و موفق شدند در بیست سال ۲۰ جلد تفسیر وزین المیزان را بنویسند.

وی تاکید کرد: ایشان در دوره حیاتشان به بسیاری از شبهات فکری دوره خود پاسخ داد و شاگردانش هم راه ایشان را ادامه دادند؛ به تعبیر علامه مصباح یزدی «میزان شبهاتی که بعد از انقلاب تولید شده بیشتر از ۱۴۰۰ سال قبل است» و اگر شاگردان علامه نبودند معلوم نبود چه کسانی می خواستند آنها را پاسخ دهند بنابراین هنوز هم ما بر سر سفره علامه نشسته ایم.

میرزایی با اشاره به جایگاه والای عقل در روایات، گفت: امام کاظم(ع) فرمود خداوند دو حجت بر مردم دارد؛ یکی حجت ظاهری و دیگری حجت باطنی و عقل، حجت باطنی است لذا دین دو ابزار یعنی عقل و نقل را در اختیار دارد. تقابل عقل و دین در اسلام بی معناست

وی ادامه داد: از این رو به تعبیر علامه جوادی آملی رابطه دین و عقل حرف غلط و بی معنایی است زیرا تقابلی بین عقل و دین در اسلام وجود ندارد و اگر تقابلی بوده در مسیحیت بوده است. عقل و نقل دو حجت خدا و ابزار در خدمت دین هستند و ما مباحث توحید و معاد و .. را از این دو به دست می آوریم.

میرزایی بیان کرد: مهمترین کتب حدیثی شیعه، اصول کافی است که وقتی وارد آن شویم اولین بحث، بحث عقل و جهل است؛ در قرآن کریم هم تعبیری چون؛ افلا یتفكرون؛ افلا یعقلون و ... زیاد بیان شده است؛ برخی این همه هجده می کنند که عقل، ضد دین است در صورتی که خدا فرموده بدترین کسان در پیشگاه خدا افرادی هستند که کر و لال هستند و تعقل نمی کنند «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمَّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ».

این پژوهشگر با بیان اینکه برخی افراد از جهت تفکر از حیوانات پایین تر هستند، افزود: قرآن کریم فرموده است: وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ. فرموده مانند حیوانات می خورند و می خوابند بلکه فرموده درک و شعور و فهم آنها از حیوانات پایین تر است.

وی با بیان اینکه در المیزان به مباحثی مانند؛ تعریف عقل، حجیت عقل، ارتباط بین تقوا و عقل پرداخته شده است، اضافه کرد: از منظر علامه، در اصطلاح قرآن، افراد بی تقوا، شعور و عقل هم ندارند زیرا عقل چیزی است که «عبد به الرحمان و اکتسب به الجنان» است اگر عقلی باشد که فقط به لذات دنیا فکر کند عقل نیست.

۲ معنای عقل از منظر علامه

میرزایی افزود: علامه طباطبایی در بحث حجیت عقل، هم به نگاه پوزیتیویست ها جواب دادند و هم به نظر اشاعره در رد عقل و برخی نقدها را هم به افکار معتزله وارد کردند. علامه دو تعریف برای عقل فرموده است؛ در یک تعریف بیان کرده عقل مبدایی است که تصاویر کلی و احکام عمومی به آن منتهی می شود و تردیدی وجود ندارد که چنین نیرویی در انسان وجود دارد. همچنین او در تعریف دوم خود؛ معنای واژه عقل را بستن و گره زدن می داند و معتقد است که به ادراکات درونی و قلبی انسان همچنین مدرکات آدمی هم عقل گفته می شود.

وی افزود: ایشان عقل را به دو دسته نظری و عملی تقسیم کرده است و از منظر وی، آن که حق و باطل را درک می کند عقل نظری و آن چیزی که خیر و شر را درک می کند عقل عملی است همچنین در قرآن کریم در برابر عقل به این معنا، جنون، حماقت،

سفاقت و جهالت استفاده شده است یعنی کسی که عقل ندارد سفیه است «وَمَنْ يَرْعَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ». کسی که از دین ابراهیم تبعیت نکند سفیه است یعنی عقل ندارد.

وی ادامه داد: علامه ملاک تمایز انسان با حیوان را در قوه مدرکه و تشخیص حق و باطل می داند. علامه می گوید انسان سالم انسانی است که غرایز و امیال او که اقتضای مادیت و بدنی دارد در حالت اعتدال باشد ولی اگر برخی از این غرایز تشدید و پررنگ شوند جلوی رشد عقلی انسان گرفته شده و به سمت خطا خواهد رفت مانند یک قاضی که براساس شواهد نادرست و خطا قضاوت می کند.  
غارت بیت المال نشانه بی عقلی است

این کارشناس میبانی نظری اسلام تصریح کرد: عقل، ابزاری برای سعادت انسان و خیر و شر اوست ولی اگر انسان همه قوای خود را در راه دنیا به کار برد در این صورت آدم کثی و غارت بیت المال را هم به عنوان حق خودش توجیه خواهد کرد. بنابراین علامه چنین افرادی را بی عقل ترین افراد می داند.

وی در ادامه بیان کرد: در روایت آمده که برخی گفتند معاویه خیلی باهوش است ولی حضرت علی(ع) فرمود این عقل نیست بلکه شیطنت و مکر است. بنابراین اگر عینک حرص و بخل و تکبر و خشم و شهوت بر چشم انسان زده شود در این صورت او با وجود عقل، قضاوت به خطا خواهد کرد زیرا عقل او سالم نیست، بنابراین اگر کسی صرفاً دنبال مادیات و شهوات باشد در لسان قرآنی، عاقل نیست.  
نقش تقوا در فهم عقلانی انسان

میرزایی تصریح کرد: از منظر علامه طباطبایی، مراد از عقل، ادراکی است که با سلامت فطرت برای انسان دست دهد. تقوا هم در اینجا خودش را نشان خواهد داد؛ قرآن فرموده خدا برای اهل تقوا فرقان و مخرج (راه خروج از بن بست) اعطا خواهد کرد؛ برخی می گویند برای برهان آوردن و استدلال عقلی که تابع یک منطق ذهنی است دینداری و بی دینی چه تاثیری دارد؟ ولی علامه فرموده است فرقی این است که در چنین افرادی غرایز و امیال، پوشش و حجابی در برابر او قرار می دهند و او نمی تواند حکم منطبق بر فطرت خود را داشته باشد یعنی منافع زودگذر و مصالح کوچک را بر مسئله بزرگ ترجیح می دهد و حیات آخرت خود را بر دنیا خواهد فروخت و به تعبیر خودمانی؛ «نقد را بچسب».

وی با تاکید بر اینکه علم هم دینی و غیر دینی دارد، اظهار کرد: برخی چون عقلانیتهای همراه سلامت فطرت نبود در تشخیص حق اشتباه کردند درست مانند قاضی ای که براساس پرونده دستکاری شده قضاوت کند و تقوا از منظر علامه، همان حالت تعادلی است تا انسان تحت تاثیر امیال و غرایز خود تصمیم نگیرد. علامه فرموده ما نمی گوئیم تقوا مسیری برای فهم است بلکه تقوا کمک می کند انسان از مسیر سلامت فطرت خارج نشود و سلامت فطرت باعث می شود عقل هم درست حکم کند.

وی افزود: علامه فرموده است معارف حقه و علوم نافع برای کسی حاصل نمی شود مگر آنکه الگوی خود را اصلاح و فضایل ارزشمند انسانی را کسب کند و تقوا اخلاق پسندیده و علوم نافع و فضایل را در انسان حفظ می کند.

میرزایی با بیان اینکه علامه در المیزان به شبهات زیادی پاسخ داده است، افزود: از منظر ایشان در بین متاخرین برخی دانشمندان، حس گرا هستند لذا حجیت عقل را نمی پذیرند، اینها تنها معیار ارزیابی بین واقعیت و غیر آن را در حس می دانند و می گویند عقل اشتباهات زیادی دارد همچنین مدعی هستند که احکام عقل، کلی هستند ولی حس در امور جزئی می تواند ورود پیدا کند پس عقل، حجیت ندارد.  
پاسخ علامه به حس گرایان

وی گفت: جواب علامه این است؛ معیارهایی که اینها آورده اند خودش گزاره های عقلی است؛ اینکه گفتند عقل در بسیاری از موارد خطا می کند خودش یک حکم عقلی است پس از مقدمات عقلی استفاده می کنند تا بگویند عقل ناکارآمد است و حجیت ندارد و این خطاست. دلیل دیگر علامه این است که می گویند در عقل خطا زیاد است، مگر در حس خطا نداریم، مثلاً آیا پدیده سراب اشتباه حسی نیست؟

میرزایی بیان کرد: جواب دیگر علامه این است که حتی در علوم حسی هم برای ارزیابی صحت و سقم چیزی نیازمند عقل هستیم، مثلاً ما با حس خودمان تند فلفل را حس می کنیم و وقتی چندبار خوردیم نتیجه می گیریم که تند، اثر دائمی فلفل است و این حکم، خودش عقلی است نه حسی.

وی ادامه داد: جواب دیگر علامه این است که شما علوم حسی را به وسیله تجربه تعیین می کنید مثلاً جوشش آب در صد درجه

با ابزار تجربه انجام می شود ولی نتیجه گیری آن با عقل است از این رو از منظر علامه، برای اینکه ما در علوم پیشرفت کنیم عقل باید یکسری گزاره های کلی در اختیار ما قرار دهد.

میرزایی تاکید کرد: علامه فرموده است انسان قوه ای به نام عقل دارد که وظیفه آن تشخیص حق و باطل است؛ حال آیا ممکن است چنین ابزاری به انسان داده شود ولی بگویند این عقل، حجیت ندارد و یا در بسیاری از احکام خودش دچار اشتباه می شود؟ آیا چنین موضوعی قابل پذیرش است؟  
رد عقاید اخباریون

این کارشناس افزود: علامه معتقد است که اخباریون عقل را در فهم دین کنار گذاشتند و سراغ اخبار رفتند و مستمسک آنها هم برخی روایات است ولی علامه پاسخ داده است که شما دو روایت آوردید که فرموده به عقل تکیه نکنید و صدها روایت دیگر برای تکیه کردن به عقل و تایید آن را نفی می کنید؟ از دید ایشان یکی دو روایت نافی تکیه بر عقل، برای آن بوده که جریان قیاس و ابوحنیفه مسدود شود از این رو روایات زیادی در نفی قیاس داریم.

وی تاکید کرد: قیاس دو نوع است، قیاس در منطوق و فقه و منظور روایت عدم قیاس فقهی است نه منطوقی، اولین قیاس غلط در تاریخ را شیطان کرد ولی مراد امام از نفی قیاس در این روایات، قیاسات فقهی است.

ایکنا